Shenakht Journal of Psychology and Psychiatry
Vol. 6/ No. 5/ 2019
Page: 141-155

The canonical correlation between perceptions of parents and psychological and social well-being in students

Farhad Tanhaye Reshvanloo[1], Talieh Saeidi Rezvani[2], Hossein Kareshki[3]

1-Ph.D student in Educational Psychology, Department of Counseling and Educational psychology, Faculty of Educational sciences and psychology, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran (Corresponding Author).
E-mail: farhadtanhay@um.ac.ir
2- Ph.D student in Educational Psychology, Department of Counseling and Educational psychology, Faculty of Educational sciences and psychology, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran.
3- Associate Professor, Department of Counseling and Educational psychology, Faculty of Educational sciences and psychology, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran.

Received: 05/07/2019 **Accepted:** 09/10/2019

Abstract

Introduction: Health is not merely the absence of illness and it includes psychological and social well-being. Psychological and social well-being seems to be influenced by parental parenting styles.

Aim: The purpose of this study was to investigate the canonical correlation between parental perceptions with psychological and social well-being of students.

Method: The design of this study was descriptive-correlation and statistical community consisted of undergraduate students of Payame Noor University of Mashhad in fall semester of 2018. The sample size was 235 students was selected using multistage random sampling and completed Perceptions of Parents Styles (Robbins, 1994), psychological well-being (Ryff, 1989) and social well-being (Keyes, 1998) questionnaires. Data were analyzed by Pearson Correlation Coefficient and Canonical Correlation and SPSS.25 software.

Results: The results showed that there is a significant relationship between parenting styles and psychological and social well-being. The common variance of parenting styles and psychological and social well-being was 34%.

Conclusion: Hence, it seems that warm and friendly behavior along with parents' affection toward children can have sustainable impacts on children's mental health.

Keywords: Well-being, Parenting, Students

How to cite this article : Tanhaye Reshvanloo F, Saeidi Rezvani T, Kareshki H. The canonical correlation between perceptions of parents and psychological and social well-being in students. Shenakht Journal of Psychology and Psychiatry. 2019; 6 (5): 141-155 .URL: http://shenakht.muk.ac.ir/article-1-685-fa.pdf

Copyright © 2018 the Author (s). Published by Kurdistan University of Medical Sciences. This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution-Non Commercial License 4.0 (CCBY-NC), where it is permissible to download, share, remix, transform, and buildup the work provided it is properly cited. The work cannot be used commercially without permission from the journal.

[Downloaded from shenakht.muk.ac.ir on 2026-11-08]

[DOR: 20.1001.1.25886657.1398.6.5.9.7]
[DOI: 10.29252/shenakht.6.5.141]

مجله روانشناسی و روان پزشکی شناخت
سال ششم، شماره ۵، ۱۳۹۸
صفحات: ۱۵۵-۱۴۱

همبستگی کانونی ادراکات والدینی با بهزیستی روانشناختی و اجتماعی در دانشجویان

فرهاد تنهای رشوانلو[۱]، طلیعه سعیدی رضوانی[۲]، حسین کارشکی[۳]

۱.دانشجوی دکتری روان‌شناسی تربیتی، گروه روان‌شناسی مشاوره و تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران (مولف مسئول). ایمیل: farhadtanhay@um.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری روان‌شناسی تربیتی، گروه روان‌شناسی مشاوره و تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران.

۳. دانشیار، گروه روان‌شناسی مشاوره و تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران.

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۰۴/۱۴ **تاریخ پذیرش مقاله:** ۱۳۹۸/۰۷/۱۷

چکیده

مقدمه: سلامت صرفاً به منزله غیاب بیماری نبوده و بهزیستی روانی و اجتماعی را نیز در بر می‌گیرد. به نظر می رسد بهزیستی روان‌شناختی و اجتماعی از سبک‌های فرزندپروری والدین آنها تأثیر می پذیرد.

هدف: پژوهش حاضر با هدف بررسی همبستگی کانونی ادراکات والدینی با بهزیستی روان‌شناختی و اجتماعی در دانشجویان انجام شد.

روش: طرح پژوهش حاضر از نوع توصیفی -همبستگی بود. جامعه آماری آن را دانشجویان دوره کارشناسی دانشگاه پیام نور مشهد در ترم پاییز ۱۳۹۷ تشکیل دادند. تعداد ۲۱۰ نفر از این دانشجویان با روش نمونه گیری تصادفی چندمرحله ای انتخاب شدند و مقیاس‌های ادراکات والدینی (رابینز، ۱۹۹۴)، بهزیستی روان شناختی (ریف، ۱۹۸۹) و بهزیستی اجتماعی (کیز، ۱۹۹۸) را تکمیل کردند. داده‌ها با ضریب همبستگی پیرسون و همبستگی کانونی و با نرم افزار SPSS.۲۵ تحلیل شدند.

یافته‌ها: نتایج نشان داد که میان ادراکات والدینی و بهزیستی روانشناختی و اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد. واریانس مشترک ادراکات والدینی و بهزیستی روانشناختی و اجتماعی ۳۴ درصد بود.

نتیجه‌گیری: بر این اساس به نظر می‌رسد رفتار گرم و صمیمانه و توأم با محبت پدر و مادر نسبت به فرزندان می‌تواند تأثیرات نسبتاً پایداری بر سلامت روانی آنان بر جای بگذارد.

کلید واژه‌ها: بهزیستی، فرزندپروری، دانشجویان

تمامی حقوق نشر براي دانشگاه علوم پزشکی کردستان محفوظ است.

[Downloaded from shenakht.muk.ac.ir on 2026-11-08]
[DOR: 20.1001.1.25886657.1398.6.5.9.7]
[DOI: 10.29252/shenakht.6.5.141]

[Downloaded from shenakht.muk.ac.ir on 2026-11-08]
[DOR: 20.1001.1.25886657.1398.6.5.9.7]
[DOI: 10.29252/shenakht.6.5.141]

مقدمه

به رغم تأکید سازمان بهداشت جهانی بر چندبعدی بودن سلامت و در نظر گرفتن سلامت به عنوان «حالتی از بهزیستی کامل جسمی، ذهنی و اجتماعی و نه صرفاً فقدان بیماری»، غالباً متخصصان به جای توجه به جنبه‌های مثبت سلامت، بیشتر درگیر مهار و درمان بیماری‌های روانی بودند. دلیل این امر را شاید بتوان رشد یافته‌تر بودن حوزه آسیب‌شناسی روانی در ادبیات روان‌شناختی در مقایسه با مفهوم سازی‌های مثبت سلامت روانی دانست(کی‌یز[۱]، ۲۰۰۵). ظهور رویکردهای روان‌شناسی مثبت[۲]، پژوهشگران حوزه سلامت را بر آن داشت تا رویکرد نظری و پژوهشی متفاوتی را برگزیده و سلامت روانی را معادل کارکرد مثبت روان‌شناختی تلقی و در قالب اصطلاح بهزیستی[۳] مفهوم سازی کنند (استرامپفر[۴]، ۱۹۹۰). این دیدگاه تمرکز بر روی سلامتی و بهزیستی از جنبه مثبت و نیز توضیح و تبیین ماهیت روان‌شناختی بهزیستی را مطمح نظر قرار داده است (ریف و سینگر[۵]، ۱۹۹۸). تعاریف روان‌شناسی مثبت از بهزیستی، عموماً شامل تعادل در حالات، خلق مثبت و رضایت از زندگی، چندبعدی بودن، بهینه سازی شخصی و رفتارهای اجتماع پسند است(باروایس[۶]، ۲۰۱۱). بر این اساس بهزیستی روانشناختی[۷] در بر گیرنده تلاش برای کمال و تحقق نیروهای بالقوه واقعی فرد (دیکرسون[۸]، ۲۰۱۸) و بهزیستی اجتماعی[۹] گزارش شخصی فرد در مورد کیفیت روابطش با افراد دیگر، جایی که در آن زندگی می کند و جامعه اش است(سوربر، بوهمان، هفلینگر[۱۰]، ۲۰۱۸). بهزیستی روانشناختی از شخصیت و حمایت اجتماعی(فرجی، مقتدر و اسدی فجره، ۱۳۹۷)، انعطاف پذیری روان‌شناختی و سرسختی روان‌شناختی(اصغری ابراهیم آباد و ممی زاده، ۱۳۹۷) و بهزیستی اجتماعی از شخصیت(صفاری نیا، تدریس تبریزی، محتشمی و حسن زاده، ۱۳۹۳)، سرمایه اجتماعی، کیفیت زندگی و رضایت از زندگی(شربتیان و عرفانیان قصاب، ۱۳۹۷) تأثیر می پذیرد.

خودتعیین گری[۱۱] (دسی و رایان[۱۲]، ۱۹۸۵؛ رایان و دسی، ۲۰۱۷) نظریه ای است که عوامل فردی و بافتی را در ارتباط با تبعات مختلف تحصیلی، انگیزشی و سلامت مورد بررسی قرار داده و بهزیستی و سلامت را منوط به ارضای نیازهای بنیادین روانشناختی می‌داند. این نیازها ذاتی و جهانشمول بوده و مشتمل بر خودمختاری[۱۳]، شایستگی[۱۴] و احساس تعلّق[۱۵] است. خودمختاری به انتخاب آزادانه اعمال و خواسته ها، شایستگی به احساس تسلط بر اعمال و رویدادها و احساس تعلّق به برقراری رابطه با افراد مهم زندگی و برخورداری از حمایت آنان، اشاره دارد (رایان، هوتا[۱۶] و دسی، ۲۰۰۸). ارضای نیازهای بنیادین روانی با بهزیستی روانی (کوردیرو، پایزائو، لنز، لاکانته و لویکس[۱۷]، ۲۰۱۸) در ارتباط بوده و به حمایت محیط نیاز دارد و از این طریق است که افراد می‌توانند به سطوح بالای بهزیستی و سلامت دست یابند(رایان، ۲۰۰۹؛ رایان و دسی، ۲۰۱۶).

[1]- Keyes
[2]- Positive Psychology
[3]- Well-being
[4]- Strumpfer
[5]- Ryff, & Singer
[6]- Barwais
[7]- Psychological Well-being
[8]- Dickerson
[9]- Social Well-being
[10]- Thurber, Bohmann, & Heflinger
[11]- Self-determination
[12]- Deci & Ryan
[13]- Autonomy
[14]- Competence
[15]- Relatedness
[16]- Huta
[17]- Cordeiro Paixão, Lens, Lacante, & Luyckx

به نظر می‌رسد که والدین اولین افرادی هستند که می‌توانند بر ارضای نیازهای روان‌شناختی فرزندان خود تأثیرگذار باشند (گرولنیک[1]، ۲۰۰۹). تأثیرگذاری والدین در چارچوب نظریه خودتعیین گری، در قالب سبک‌های فرزندپروری مورد بحث قرار می‌گیرد. درگیری[2] یکی از سبک‌های فرزندپروری مورد بحث در این نظریه است و به توجه مثبت و فرصت‌هایی که والدین به فرزندان خود اختصاص می‌دهند، اشاره دارد. حمایت از خودمختاری[3] به درجه‌ای که والدین برای فعالیت‌های فرزندان خود ارزش قائل شده و به آنان حق انتخاب و شرکت در تصمیم‌گیری می‌دهند، می‌پردازد و در نهایت گرمی[4]، میزانی از پاسخگو بودن، حساسیت و صمیمی بودن والدین است (گرولنیک، دسی و رایان، ۱۹۹۷؛ جاسمنت، لندری و کاستنر[5]، ۲۰۰۸). پژوهش‌ها نشان می‌دهد که سبک‌های فرزندپروری با بهزیستی و سرزندگی (شیرکف[6] و رایان، ۲۰۰۱؛ گانیه[7]، ۲۰۰۳؛ سوئننز، ونستین کیست و سیرنز[8]، ۲۰۰۹؛ نی، چوا، ینگ، رایان و چان[9]، ۲۰۱۵، وندرکاپ دیدر[10]، ونستین کیست، سوئننز و مابه[11]، ۲۰۱۷)، عملکرد تحصیلی مثبت (لو، والش، وایت و شیلد[12]، ۲۰۱۷؛ تنهای رشوانلو و حجازی، ۱۳۹۱)، سرمایه روانشناختی و خودکنترلی (هی، لی و چن[13]، ۲۰۱۷)، انگیزش خودمختار تحصیلی(تنهای رشوانلو و حجازی، ۲۰۱۴؛ ۱۳۸۸؛ ۱۳۹۱)، عزت نفس (تنهای رشوانلو و حجازی، ۱۳۹۰؛ تنهای رشوانلو و طالع پسند، ۱۳۹۷) و امیدواری (ترکمنی، قرائی، شیخانی و تنهای رشوانلو، ۱۳۹۷) در ارتباط است. تحقیقات گویای آن است که تأثیرگذاری مادر و پدر بر بهزیستی فرزندان به گونه متفاوتی صورت می‌گیرد(کیم و رانر[14]، ۲۰۰۲) و از سوی دیگر اثرات حمایت از خودمختاری و رفتار گرم و پذیرنده والدین در سالیان پس از کودکی و نوجوانی نیز باقی می ماند(گرولینک، رایان و دسی، ۱۹۹۷).

بهزیستی و سلامت روانی دانشجویان به عنوان قشری تأثیرگذار، که با تجارب مختلف در جامعه، دانشگاه و خانواده مواجه هستند، تحت تأثیر عوامل مختلف قرار می‌گیرد. یکی از این عوامل اثرگذار، شیوه رفتار و تعامل با والدین است. در بررسی پیشینه پژوهشی در داخل کشور، مطالعه ای که روابط میان سبک های فرزندپروری مبتنی بر نظریه خودتعیین گری با بهزیستی روانشناختی و اجتماعی دانشجویان را مورد بررسی قرار داده باشد، به دست نیامد. در سایر مطالعات نیز جامعه آماری دانشجویان نبوده اند. به عنوان مثال حمیدی و انصاری(۱۳۹۵) رابطه سبک‌های فرزندپروری بامریند با بهزیستی روان‌شناختی را در دانش آموزان مورد بررسی قرار داده و رابطه مثبت و معناداری میان سبک فرزندپروری مقتدرانه و بهزیستی روان‌شناختی به دست آوردند. بر این اساس و با توجه به اهمیت بهزیستی روان‌شناختی و اجتماعی در دانشجویان و نیز تأثیرپذیری آن از ادراکات والدینی، هدف از پژوهش حاضر بررسی رابطه ادراکات والدینی با بهزیستی روان‌شناختی و اجتماعی در دانشجویان با تحلیل همبستگی کانونی بود.

روش

[1]- Grolnick
[2]- Involvement
[3]- Autonomy support
[4]- Warmth
[5]- Joussemet, Landry, & Koestner,
[6]- Chirkov
[7]- Gagné
[8]- Soenens, Vansteenkiste, & Sierens
[9]- Nie, Chua, Yeung, Ryan, & Chan
[10]- Van der Kaap-Deeder
[11]- Mabbe
[12]- Lu, Walsh, White, & Shield
[13]- He, Liu, & Chen
[14]- Kim & Rohner

[Downloaded from shenakht.muk.ac.ir on 2026-11-08]
[DOR: 20.1001.1.25886657.1398.6.5.9.7]
[DOI: 10.29252/shenakht.6.5.141]

طرح پژوهش حاضر از نوع توصیفی- همبستگی بوده و از تحلیل همبستگی کانونی برای بررسی روابط میان دو مجموعه از متغیر پیش بین (ادراکات والدینی) و ملاک (بهزیستی روان‌شناختی و اجتماعی) استفاده می‌کند. این روش شناسی امکان بررسی روابط میان چند متغیر پیش بین با چندمتغیر ملاک را به طور همزمان فراهم می‌آورد (هاودون، زدماک و شاو-تیلور[1]، ۲۰۰۴). جامعه آماری پژوهش حاضر را دانشجویان دوره کارشناسی دانشگاه پیام نور مشهد در ترم پاییز ۱۳۹۷ تشکیل می‌دادند. بنابر پیشنهاد کوهن[2] (۱۹۹۲) جهت دستیابی به سطح متوسطی از اندازه اثر حداقل ۱۱۸ نفر نمونه لازم است. اما گارسون[3](۲۰۱۵) در خصوص تحلیل همبستگی کانونی، ۱۰ نفر به ازای هر متغیر موجود در مدل و حداقل ۲۰۰ نفر نمونه را پیشنهاد می‌کند. با توجه به احتمال ریزش نفرات و روش نمونه گیری، این تعداد به ۲۴۰ نفر افزایش یافت. نمونه گیری با روش تصادفی چندمرحله ای صورت گرفت. بدین ترتیب که در ابتدا چهار رشته تحصیلی از میان گروه های تحصیلی موجود(علوم انسانی، علوم پایه و فنی و مهندسی) به صورت تصادفی انتخاب شدند. در هر رشته تحصیلی نیز یک ورودی به تصادف انتخاب و پرسشنامه در میان ۲۰ نفر از دانشجویان توزیع گردید. ملاک ورود به پژوهش اشتغال به تحصیل در دانشگاه پیام نور مشهد در بازه زمانی گردآوری داده‌ها، زندگی با هر دو والد و نیز برخورداری از سلامت جسمانی و روانی بود. پرسشنامه دانشجویانی که تنها با یکی از والدین زندگی می‌کردند و نیز افرادی که دارای بیماری جسمانی خاص یا سابقه دریافت درمان روانپزشکی بودند، از تحلیل کنار گذاشته شد. در نهایت پس از حذف پرسشنامه‌های ناقص، داده های مربوط به ۲۳۵ نفر تحلیل شد.

ابزار

گردآوری داده‌ها در پژوهش حاضر از طریق پرسشنامه های ذیل صورت گرفت:

مقیاس ادراکات والدینی[4](POPS): این مقیاس توسط رابینز[5] (۱۹۹۴) و بر اساس نظریه خود تعیین گری تدوین شده و ابعاد درگیری، حمایت از خودمختاری و گرمی مادر و پدر را با ۴۲ عبارت می‌سنجد. عبارت ها در دو نیمه برای مادر و پدر تکرار می‌شوند. بر این اساس در نهایت شش خرده مقیاس به دست می آید. پاسخگویان باید به عبارت‌ها در طیف ۷ درجه‌ای لیکرت از در مورد من اصلاً درست نیست(۱) تا در مورد من کاملاً درست است(۷) پاسخ دهند. نمرات بالاتر در هر زیر مقیاس نشان دهنده ادراک بالاتر در آن حوزه است. اعتبار[6] خرده مقیاس‌های حمایت از خودمختاری مادر ـ پدر به ترتیب در مطالعه اصلی ۰/۸۰ و ۰/۸۳ بدست آمده است (رابینز، ۱۹۹۴). در سایر مطالعات شیرکف و رایان (۲۰۰۱) ضرایب آلفای ۰/۸۵ تا ۰/۹۲ را برای حمایت از خودمختاری مادر و پدر گزارش کرده‌اند. تنهای رشوانلو (۱۳۸۷ نقل از تنهای رشوانلو و حجازی، ۱۳۹۱) نیز در مطالعه‌ای پس از ترجمه و تأیید روایی صوری به بررسی روایی سازه و اعتبار این مقیاس پرداخت. تحلیل عاملی اکتشافی با چرخش واریماکس نشان داد که فقط ۴۰ عبارت با نسخه اصلی هماهنگ بوده و زیر شش عامل بار می‌شوند. تحلیل عاملی تأییدی برای تعیین برازندگی ساختار جدید به اجرا در آمد و ساختار جدید به تأیید

[1]- Hardoon, Szedmak, & Shawe-Taylor
[2]- Cohen
[3]- Garson
[4]- Perceptions of Parents Scale(POPS)
[5]- Robbins
[6]- Reliability

[Downloaded from shenakht.muk.ac.ir on 2026-11-08]
[DOR: 20.1001.1.25886657.1398.6.5.9.7]
[DOI: 10.29252/shenakht.6.5.141]

رسید. اعتبار مقیاس نیز با محاسبه آلفای کرونباخ مورد بررسی قرار گرفت و ضرایب ۰/۸۲ تا ۰/۹۳ برای خرده-مقیاس‌ها و ۰/۸۳ برای کل مقیاس بدست آمد. اعتبار این مقیاس در مطالعات دیگری نیز به تأیید رسیده است (تنهای رشوانلو و حجازی، ۱۳۹۰، تنهای رشوانلو و طالع پسند، ۱۳۹۷). ضرایب آلفای کرونباخ برای زیر مقیاس‌ها در مطالعه حاضر از ۰/۷۱ و ۰/۸۵ در تغییر بود.

فرم کوتاه مقیاس بهزیستی روان‌شناختی[1]: این مقیاس توسط ریف[2] (۱۹۸۹) تدوین گردید. این مقیاس مشتمل بر ۱۸ ماده بوده و شش بعد بهزیستی روان شناختی شامل خود پیروی، سلطه بر محیط، رشد شخصی، روابط مثبت با دیگران، هدفمندی در زندگی و پذیرش خود را در طیف لیکرت ۷ درجه ای از «کاملاً مخالف» تا «کاملاً موافق» می‌سنجد. نمره کل مقیاس با جمع بستن نمرات در ۱۸ ماده به دست آمده و نمرات بالاتر به معنای بهزیستی روانشناختی بالاتر است و بالعکس. اعتبار و روایی این مقیاس در مطالعات متعددی به تأیید رسیده است(ویلاروسا و گنوتیک[3]، ۲۰۱۸). در پژوهش‌های داخلی ضرایب آلفای کرونباخ برای خرده مقیاس‌ها از ۰/۴۳ تا ۰/۶۰ گزارش شده است (جوشن لو، رستمی و نصرت آبادی، ۱۳۸۵). در مطالعه حاضر از نمره کل مقیاس استفاده شده و آلفای کرونباخ آن برابر با ۰/۷۹ به دست آمد.

فرم کوتاه مقیاس بهزیستی اجتماعی[4]: این مقیاس توسط کی یز(۱۹۹۸) تدوین گردیده و با ۱۵ ماده، پنج بعد بهزیستی اجتماعی شامل یکپارچگی اجتماعی، پذیرش اجتماعی، مشارکت اجتماعی، شکوفایی اجتماعی و درک پذیری اجتماعی را می‌سنجد. پاسخگویی به این مقیاس در طیف ۷ درجه ای از کاملاً مخالف(۱) تا کاملاً موافق(۷) صورت می‌گیرد. نمره کل بهزیستی اجتماعی با جمع بستن تمامی عبارت‌ها، پس از معکوس کردن نمرات برخی از عبارات، به دست آمده و به معنای بهزیستی اجتماعی بالاتر است. کی‌یز(۲۰۰۵) ضریب اعتبار ۰/۸۱ را برای کل مقیاس گزارش کرد. جوشن لو، رستمی و نصرت‌آبادی (۱۳۸۵) در مطالعه ای بر روی دانشجویان ایرانی ساختاری مشابه نسخه اصلی بدست آورده و میزان آلفای کرونباخ زیر مقیاس‌های بهزیستی اجتماعی را از ۰/۵۹ تا ۰/۷۶ گزارش نمودند. در پژوهش حاضر ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۳ برای کل مقیاس به دست آمد.

گردآوری داده ها به صورت گروهی و توسط نویسندگان صورت گرفت. پیش از اجرا، در خصوص اهداف طرح توضیحاتی به شرکت کنندگان داده شده و رضایت شفاهی آنان جهت تکمیل پرسشنامه‌ها اخذ گردید. شرکت در پژوهش کاملاً داوطلبانه بوده و تمامی پرسشنامه‌ها بی نام بودند. به شرکت کنندگان اطمینان داده شد که اطلاعات آنان محرمانه بوده و تنها در اختیار پژوهشگران می‌باشد.

تحلیل داده‌ها با استفاده از روش تحلیل همبستگی کانونی صورت گرفت. این روش متداول‌ترین حالت مدل خطی عمومی است که با استفاده از روش‌های آماری چندمتغیری رابطه میان دو مجموعه از متغیرهای چندگانه را مورد بررسی قرار می‌دهد. این تحلیل ترکیب خطی متغیرهای پیش بینی کننده را برای برآورد ترکیب خطی متغیرهای پیش بینی شونده به کار می‌برد(هاودون و

[1]- Psychological well-being scale-short form
[2]- Ryff
[3]- Villarosa, & Ganotice
[4]- Social well-being scale-short form

[Downloaded from shenakht.muk.ac.ir on 2026-11-08]
[DOR: 20.1001.1.25886657.1398.6.5.9.7]
[DOI: 10.29252/shenakht.6.5.141]

همکاران، ۲۰۰۴). در این تحلیل دو تابع کانونی[1] تشکیل می‌شود که یکی مربوط به متغیرهای ملاک و دیگری مربوط به متغیرهای پیش بین است. وزن‌های کانونی[2] در درون هر تابع نشان دهنده سهم هر یک از متغیرهای اصلی در ضرایب همبستگی کانونی بوده و همانند ضرایب بتا در رگرسیون هستند. بارهای کانونی[3] همبستگی ساده میان متغیرهای اصلی و تابع کانونی متناظر آنهاست(یوسفی، باقریان و شجاعی، ۱۳۹۳). تجزیه و تحلیل داده با محاسبه شاخص‌های توصیفی، ضریب همبستگی پیرسون و همبستگی کانونی با نرم افزار SPSS.۲۵ صورت گرفت.

یافته‌ها

توصیف جمعیت شناختی نشان داد که در کل نمونه ۵۲/۱ درصد را مردان تشکیل می‌دادند؛ میانگین و انحراف معیار سنی به ترتیب ۲۰/۵۷ و ۱/۷۳ با دامنه ۱۸ تا ۳۰ بود؛ ۸۹/۳ درصد دانشجویان مجرد بودند؛ ۳۳/۸ درصد در گروه علوم انسانی، ۳۳/۳ درصد در گروه علوم پایه و ۳۲/۹ درصد در گروه فنی و مهندسی مشغول به تحصیل بودند.

پیش از تحلیل به غربالگری داده‌ها پرداخته شده و مقادیر دورافتاده شناسایی و اصلاح شدند. پرت‌های تک متغیره با نمودار باکس[4] مورد بررسی قرار گرفتند. نتایج نشان داد که پرت تک متغیره ای وجود ندارد. شناسایی پرت‌های چندمتغیره نیز با آماره ماهالانوبیس[5] انجام شد. سپس فواصل مورد نظر بر اساس درجات آزادی (تعداد متغیرها که در اینجا شش متغیر پیش بین موجود در مدل بود) در آزمون خی دو(χ^2) اصلاح و در سطح α=۰/۰۰۱ مورد بررسی قرار گرفت (میرز، گامست و گوارینو[6]، ۲۰۱۶). نتایج حاکی از وجود یک مورد پرت چندمتغیره بود. بر این اساس به حذف این شرکت کننده پرداخته شد و تحلیل با داده های مربوط به ۲۳۴ نفر شرکت کننده ادامه یافت. شاخص اصلاح شده در مورد تمامی شرکت کنندگان از α=۰/۰۰۱ بزرگتر بود. شاخص‌های توصیفی و ضرایب همبستگی متغیرهای پژوهشی در جدول ۱ آورده شده است.

[1]- Canonical Function
[2]- Weight Canonical
[3]- Canonical Loading
[4]- Box plot
[5]- Mahalanobis
[6]- Meyers, Gamst, & Guarino

[Downloaded from shenakht.muk.ac.ir on 2026-11-08]
[DOR: 20.1001.1.25886657.1398.6.5.9.7]
[DOI: 10.29252/shenakht.6.5.141]

جدول ۱ شاخص‌های توصیفی و ضرایب همبستگی متغیرهای پژوهشی

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸
۱. درگیری مادر	۱							
۲. حمایت مادر از خودمختاری	۰/۲۶**	۱						
۳. گرمی مادر	۰/۲۱**	۰/۵۵**	۱					
۴. درگیری پدر	۰/۳۰**	۰/۱۷*	۰/۱۷**	۱				
۵. حمایت پدر از خودمختاری	۰/۲۳**	۰/۲۵**	۰/۱۶*	۰/۳۶**	۱			
۶. گرمی پدر	۰/۱۶*	۰/۲۳**	۰/۲۵**	۰/۲۶**	۰/۵۶**	۱		
۷. بهزیستی روان‌شناختی	۰/۳۲**	۰/۳۶**	۰/۳۲**	۰/۴۱**	۰/۲۵**	۰/۳۳**	۱	
۸. بهزیستی اجتماعی	۰/۲۴**	۰/۱۹**	۰/۲۴**	۰/۳۱**	۰/۱۵*	۰/۲۴**	۰/۴۶**	۱
میانگین	۱۱/۱۷	۳۷/۳۲	۳۲/۳۵	۱۷/۳۸	۳۷/۲۱	۳۱/۷۴	۸۸/۳۷	۶۶/۵۵
انحراف استاندارد	۳/۰۲	۶/۹۹	۷/۲۳	۳/۶۳	۶/۸۰	۸/۰۸	۱۰/۵۷	۱۰/۳۴
کجی	-۰/۱۶	-۰/۳۴	-۰/۶۹	۰/۱۳	-۰/۰۶	-۰/۷۲	-۰/۰۲	۰/۱۱
کشیدگی	-۰/۷۸	-۰/۴۴	-۰/۱۶	-۰/۵۸	-۰/۱۵	-۰/۱۷	-۰/۲۴	۰/۴۱

**P< ۰/۰۱ *P<۰/۰۵

نتایج جدول ۱ نشان می‌دهد که میان ادارکات والدینی با بهزیستی روانشناختی و اجتماعی روابط مثبت و معناداری وجود دارد($P\leq$۰/۰۱). درگیری پدر بیشترین همبستگی با بهزیستی روانشناختی و اجتماعی را داراست.

در ادامه مفروضات نرمال بودن تک متغیره و چند متغیره توزیع متغیرها، عدم همخطی چندگانه[1] و استقلال خطاها بررسی شد. نتایج جدول ۱ نشان داد که با در نظر گرفتن کجی ۲± (شوماخر و لوماکس[2]، ۲۰۱۲) و کشیدگی ۷ ± (وست، فینچ و کوران[3]، ۱۹۹۵)، نرمال بودن تک متغیره برای تمامی متغیرها محقق شده است. در بررسی نرمال بودن چند متغیره، پس از محاسبه مقادیر باقیمانده‌های استاندارد شده[4]، توزیع باقیمانده ها با آزمون کالموگروف-اسمیرنوف یکراهه[5] مورد بررسی قرار گرفت. بزرگتر بودن سطح معناداری آزمون از آلفای $P\geq$۰/۰۰۱ نشان از نرمال بودن توزیع متغیرها دارد(میرز و همکاران، ۲۰۱۶). نتایج نشان داد که توزیع باقیمانده‌ها ($P\geq$۰/۰۵، df=۲۳۴، Z=۰/۰۵) نرمال است. در بررسی عدم همخطی متغیرهای پیش بین مدل، اگر شاخص تحمل[6] کوچکتر از ۱ و بزرگتر از ۰/۴۰ و شاخص تورم واریانس[7] (VIF) کوچکتر از ۱۰ باشد (استیونس[8]، ۲۰۱۲) مفروضه عدم همخطی چندگانه محقق شده است. نتایج نشان داد که ضرایب تحمل متغیرهای پیش بین از ۰/۶۲ تا ۰/۸۵ و تورم واریانس از ۱/۲۳ تا ۱/۵۲ در تغییر هستند. بر این اساس می توان رأی به تحقق مفروضه داد. در بررسی مفروضه استقلال خطاها از آماره دوربین واتسون[9] استفاده شد. ضرایب نزدیک به ۲ برای این آماره نشان از استقلال خطاها دارند(نتر، کاتنر، ناتشهیم و واسرمن[10]، ۱۹۹۶). این ضریب در پژوهش حاضر ۲/۰۷ بود. نتایج محاسبه همبستگی کانونی ادراکات والدینی و بهزیستی روانشناختی و اجتماعی در جدول ۲ آورده شده است.

[1]- Multicollinearity
[2]- Schumaker & Lomax
[3]- West, Finch, & Curran
[4]- Standardized residuals
[5]- One way Kolmogorov-smirnov
[6]- Tolerance
[7]- Variance inflation facto(VIF)
[8]- Stevens
[9]- Durbin-Watson
[10]- Neter, Kutner, Nachtsheim, & Wasserman

[Downloaded from shenakht.muk.ac.ir on 2026-11-08]
[DOR: 20.1001.1.25886657.1398.6.5.9.7]
[DOI: 10.29252/shenakht.6.5.141]

جدول ۲ ضرایب همبستگی کانونی ادارکات والدینی و بهزیستی

توابع کانونی	مقادیر ویژه	همبستگی کانونی	مجذور همبستگی	لامبدای ویلکز	F	df	سطح معناداری
۱	۰/۵۱	۰/۵۸	۰/۳۴	۰/۶۶	۸/۸۷	۱۲	۰/۰۰۰۱
۲	۰/۰۱	۰/۱۱	۰/۰۱	۰/۹۹	۰/۵۲	۵	۰/۷۶

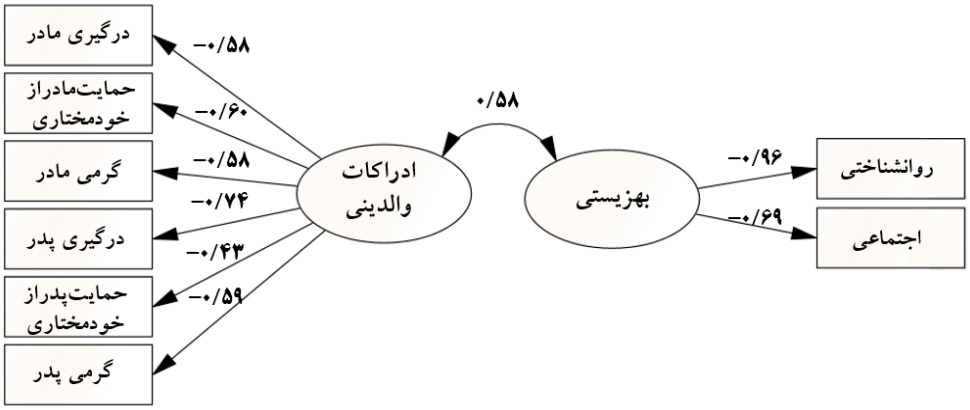
جدول ۲ نشان می‌دهد که همبستگی میان متغیرهای کانونی ادراکات والدینی و بهزیستی برابر با ۰/۵۸ است. مجذور همبستگی (۰/۳۴) نشان می‌دهد که واریانس مشترک میان این دو مجموعه(ترکیب خطی متغیرها) ۳۴ درصد است. بدین معنی که با آگاهی از متغیر کانونی ادراکات والدینی، ۳۴ درصد از تغییرات متغیر کانونی بهزیستی قابل پیش بینی است. وزن و بار کانونی در توابع کانونی ادراکات والدینی و بهزیستی در جدول ۳ آورده شده است.

جدول ۳ وزن و بار کانونی اجزا در توابع ادارکات والدینی و بهزیستی

توابع کانونی	اجزای تابع	وزن کانونی	بار کانونی
ادراکات والدینی	درگیری مادر	-۰/۲۸	-۰/۵۸
	حمایت مادر از خودمختاری	-۰/۲۸	-۰/۶۰
	گرمی مادر	-۰/۲۱	-۰/۵۸
	درگیری پدر	-۰/۵۳	-۰/۷۴
	حمایت پدر از خودمختاری	۰/۱۴	-۰/۴۳
	گرمی پدر	-۰/۳۷	-۰/۵۹
بهزیستی	روانشناختی	-۰/۸۱	-۰/۹۶
	اجتماعی	-۰/۳۲	-۰/۶۹

وزن های کانونی نشان دهنده سهم نسبی هر یک از متغیرهای اصلی در میزان همبستگی کانونی و بارهای کانونی نشان دهنده سهم هر متغیر اصلی در تشکیل متغیر کانونی است(یوسفی و همکاران، ۱۳۹۳). نتایج جدول ۳ نشان می‌دهد که در تابع ادراکات والدینی، درگیری پدر(۰/۵۳-) بیشترین وزن یا اهمیت را در همبستگی کانونی داشته است. در تابع بهزیستی نیز بهزیستی روانشناختی دارای بیشترین وزن است(۰/۸۱-). در حالت اول با فرض ثابت نگه داشته شدن سایر متغیرها، با یک واحد کاهش در درگیری پدر میزان همبستگی دو تابع به اندازه ۵۳ صدم کاهش می یابد. در حالت دوم نیز با یک واحد کاهش در بهزیستی روانشناختی میزان همبستگی ۸۱ صدم کاهش می‌یابد. بارهای کانونی نشان می‌دهند که در تشکیل متغیر کانونی ادراکات والدینی، بیشترین سهم مربوط به درگیری پدر(۰/۷۴-) و در متغیر کانونی بهزیستی بیشترین سهم مربوط به بهزیستی روانشناختی(۰/۹۶-) است. تلخیص یافته‌ها در شکل ۱ آورده شده است.

[Downloaded from shenakht.muk.ac.ir on 2026-11-08]
[DOR: 20.1001.1.25886657.1398.6.5.9.7]
[DOI: 10.29252/shenakht.6.5.141]



شکل ۱ مدل کانونی روابط میان ادراکات والدینی و بهزیستی

بحث

پژوهش حاضر با هدف بررسی روابط میان ادراکات والدینی با بهزیستی روان شناختی و اجتماعی با استفاده از تحلیل همبستگی کانونی انجام شد. نتایج نشان داد که میان درگیری، حمایت از خودمختاری و گرمی پدر و مادر با بهزیستی روانشناختی و اجتماعی در دانشجویان روابط مثبت و معناداری وجود دارد. سایر نتایج نشان داد که با آگاهی از متغیر کانونی ادراکات والدینی، می توان ۳۴ درصد از تغییرات متغیر کانونی بهزیستی را پیش بینی کرد. در تابع ادراکات والدینی، درگیری پدر و در تابع بهزیستی نیز بهزیستی اجتماعی دارای بیشترین وزن بودند. این یافته‌ها با پژوهش‌های پیشین(شیرکف و رایان، ۲۰۰۱؛ سوئننز و ونس تین کیست، ۲۰۰۹) همسویی دارد.

سایر یافته‌ها گویای آن بود که درگیری پدر در مقایسه با ادراکات مادر سهم بیشتری در ارتباط متغیرهای کانونی دارد. به نظر می‌رسد هر چند به طور سنتی، مادران دارای نقش بیشتری در فرزندپروری انگاشته می‌شوند، اما اهمیت پدران در فرزندپروری و مسائل روان‌شناختی فرزندان، در حال حاضر چهره‌ی دیگری پیدا کرده است. از سوی دیگر تغییرات اجتماعی از قبیل ورود زنان و مادران به عرصه‌های شغلی و اجتماعی و افزایش حضور مردان در زندگی خانوادگی پرسش‌های گوناگونی را در زمینه تأثیرات مثبت و مخرب پدران بر زندگی فرزندان برانگیخته است. نتیجه این پرسش‌ها شواهد روزافزون مبنی بر اهمیت ویژه تأثیر رفتارهای پدران بر بهبودی و رشد فرزندان و گذار آن‌ها به دوران بزرگسالی بوده است. علاوه بر این پدر به عنوان منبع حمایتی مادر، بر سلامت روان مادر و در نتیجه به‌طور غیرمستقیم بر سلامت روانی فرزند تأثیر بارزی دارد. حضور پدر و پاسخگویی هیجانی وی نسبت به فرزندان، آنان را از وابستگی صرف به حالات هیجانی مادر رها ساخته و زمینه استقلال و خودمختاری را فراهم می‌آورد (پلانتین، اوکویالا و نی[1]، ۲۰۱۱). از سوی دیگر تفاوت در نظام ارزش‌ها، رفتارهای اجتماعی، ساختار خانوادگی و بالاخره تفاوت در تعاملات خاص خانواده در کشور ما می تواند تبیین کننده نقش بیشتر پدر در بهزیستی فرزندان باشد؛ در فرهنگی که از تأکید بر ارزش‌های وابستگی در گستره زندگی، ابهام نقش زوجین در خانواده و برزخ بین پدرسالاری و فرزندسالاری رنج می‌برد، نه تنها جوانان آن در گذار از وابستگی به استقلال با مشکلاتی مواجه می‌شوند بلکه احتمال می‌رود سطوح بهینه شکل‌گیری استقلال عاطفی

[1]- Plantin, Olykoya & Ny

[Downloaded from shenakht.muk.ac.ir on 2026-11-08]
[DOR: 20.1001.1.25886657.1398.6.5.9.7]
[DOI: 10.29252/shenakht.6.5.141]

در آن‌ها نیز متفاوت باشد. بنابراین در چنین شرایطی و با توجه به اینکه تعارضات پدر-فرزندی، به ویژه در دوران نوجوانی و پس از آن خیلی بیشتر از تعارضات مادر-فرزندی است، گرمی، حمایت از خودمختاری و درگیری پدر می‌تواند اثرات مثبتی بر بهزیستی فرزندان داشته باشد(ملچینگ[1]، ۲۰۰۶).

یافته‌های پژوهش حاضر در هماهنگی با نظریه خودتعیین-گری (دسی و رایان، ۱۹۸۵؛ رایان و دسی، ۲۰۱۷) گویای آن است که گرمی، حمایت از خودمختاری و درگیری والدین بر ابعاد انگیزشی، شناختی و رفتاری اثر می‌گذارد. والدین گرم و پذیرنده، حامی خودمختاری و درگیر در فعالیت‌های فرزندان، معمولاً در مورد اینکه چه چیزی باید انجام شود، اطلاعات کافی و مناسبی در اختیار فرزندانشان قرار می‌دهند و وظایف مورد نظر کاملاً مشخص هستند. به همین دلیل فرزندان‌شان تکالیف و وظایف خود را به خوبی می‌دانند، منطقی هستند و در انجام وظایف انعطاف‌پذیرند. چنین والدینی ناسازگاری‌های فرزندان را مستقیماً حل می‌کنند و انتظارات خاصی از رفتار فرزندان‌شان دارند. به عبارت دیگر، حمایت والدینی یک منبع اصلی حمایت اجتماعی برای دانشجویانی است که در معرض چالش‌های روزمره زندگی و به ویژه چالش‌های تحصیلی قرار دارند و در نتیجه ادراک از ارتباط بهینه با والدین با افزایش احساس شایستگی و خودمختاری در افراد، زمینه مشارکت موثر در این چالش‌ها را فراهم می‌کند. والدین توانمندتر که سطوح بالایی از مراقبت والدینی و سطوح پایینی از بیش-حمایتگری را فراهم می‌کنند، احتمالاً بهتر می‌توانند از سلامت روانی و سازگاری فرزندان خود محافظت کنند (شین، لی، کیم و لی[2]، ۲۰۱۲).

در مجموع بر اساس نظریه خود تعیین گری (رایان و دسی، ۲۰۰۰) محیطی که با حمایت خود، زمینه ارضای نیاز به خودمختاری یا داشتن حق انتخاب و تصمیم گیری حداقل در زمینه مسائل شخصی را در افراد فراهم نماید با افزایش تمایل انگیزش درونی، به سلامت و بهزیستی روان‌شناختی افراد یاری می‌رساند. علاوه بر آن گرولنیک و همکاران(۱۹۹۷) بر این باورند که افراد نیاز دارند به پدر و مادر خود احساس تعلّق نمایند و در روابط خود با آنان احساس امنیت کنند. بر این اساس پدران و مادرانی که به نیازهای فرزندان خود حسّاس بوده و رفتار گرم و صمیمی توأم با تشویق نسبت به آنان داشته باشند، با ایجاد امنیت خاطر، نیاز به تعلّق را در آنان ارضاء خواهند کرد که این به نوبه خود سطوح بالایی از بهزیستی روان شناختی و اجتماعی را در آنان موجب گردد.

نتیجه‌گیری

بر اساس یافته‌های پژوهش حاضر و مبانی نظری، به نظر می‌رسد والدینی که به فرزندان خود اجازه می‌دهند تا در مورد مسائلی که مستقیماً به آنان مربوط است به صورت آزادانه تصمیم بگیرند و خود به عنوان راهنمای آنان عمل می‌کنند و علاوه بر آن در تصمیمات مشترکی که در خانواده وجود دارد آنان را شرکت می‌دهند، نیاز به خودمختاری را در آنان تسهیل نموده و زمینه تلاش برای کمال و تحقق نیروهای بالقوه فردی و افزایش کیفیت در روابط بین فردی در محیط خانوادگی، تحصیلی و اجتماعی را در آنان ایجاد می‌نماید. در این بین، بر اساس نتایج پژوهش حاضر، پدر نقش پررنگ‌تری در این زمینه

[1]- Melching

[2]- Shin, Lee, Kim, & Lee

[Downloaded from shenakht.muk.ac.ir on 2026-11-08]
[DOR: 20.1001.1.25886657.1398.6.5.9.7]
[DOI: 10.29252/shenakht.6.5.141]

دارد. این امر به ویژه در مورد دانشجویان که از محیط خانواده جدا شده‌اند اما وابستگی آنان به ویژه در بعد مالی و سر و سامان دهی به مسائلی از قبیل اسکان، رفت و آمد به محل تحصیل و... همچنان وجود دارد، صادق است. از سوی دیگر روابط گرم و صمیمانه پدر و مادر با فرزندان، که توأم با پذیرش بی قید و شرط احساسات آنان باشد، با ایجاد احساس تعلّق، دلبستگی و امنیت خاطر، زمینه ایجاد نگرش مثبت نسبت به خود، داشتن هدف در زندگی، پذیرا بودن نسبت به تجربیات جدید و برقراری روابط گرم، رضایت بخش و صمیمانه با دیگران از یک سو و دید مثبت نسبت به ذات انسان و اعتماد منطقی به دیگران، احساس تعلّق نسبت به جامعه و عضو مهمی از آن بودن و امیدواری نسبت به جامعه و آینده آن را در فرزندان ایجاد می‌نماید. چنین نگرش‌هایی به نوبه خود اثرات نسبتاً پایداری بر سلامت روانی فرزندان در سنین مختلف بر جای بگذارد.

یافته‌های این پژوهش تلویحات کاربردی مهمی دارد. نتایج این پژوهش نشان داد که ادراک از سبک‌های فرزندپروری بر بهزیستی روان‌شناختی دانشجویان اثر دارد. بنابراین فراهم کردن محیطی خانوادگی که در آن والدین فرزندان‌شان را حمایت کنند، با برقراری روابط گرم و صمیمی از آنها مراقبت کنند و انتظارات‌شان متناسب با توانمندی‌های فرزندانان باشد به ارتقای سلامت روانی فرزندان کمک می‌کند.

پژوهش حاضر به واسطه استفاده از ابزار خودگزارشی و نیز اجرا در یک بافت دانشگاهی محدود، با محدودیت‌هایی برای تعمیم یافته‌ها به سایر دانشجویان و نیز سایر بافت‌های فرهنگی روبرو است. علاوه بر آن در پژوهش حاضر نقش مداخله گر سایر متغیرها از قبیل نیازهای بنیادین روان‌شناختی، خودکارآمدی و شخصیت که در سایر مطالعات در ارتباط با متغیرهای پژوهش حاضر مورد بررسی قرار گرفته بودند، لحاظ نشده است. به نظر می‌رسد روابط میان ادراکات والدینی با بهزیستی روان‌شناختی و اجتماعی به واسطه متغیرهای دیگری صورت می‌گیرد. بررسی این روابط به پژوهشگران آتی پیشنهاد می‌شود.

سپاسگزاری

پژوهشگران این مقاله پژوهشی بر خود وظیفه می‌دانند تا از تمامی همکارانی که در این پژوهش ما را یاری رساندند کمال تقدیر و تشکر را داشته باشیم.

References

Asghari Ebrahimabad M, & Mamizade M. (2018). An Investigation into the Role of Psychological Flexibility and Hardiness in Explaining Soldiers' Psychological Well-Being. Research in Clinical Psychology and Counseling, 8(1), 37-51(in Persian).

Barwais F. (2011). Definitions of Wellbeing, Quality of life and Wellness. Brisbane: National Wellness Institute of Australia.

Chirkov VI, & Ryan R. (2001). Parent and teacher autonomy support in Russian and US. Adolescents: Common effort and academic motivation. Journal of Cross-Cultural Psychology, 2(5), 618-635.

Cohen J. (1992). A power primer. Psychological bulletin, 112(1), 155-159.

Cordeiro PMG, Paixão MP, Lens W, Lacante M, & Luyckx K. (2018). Parenting styles, identity development, and adjustment in career transitions: The mediating role of psychological needs. Journal of Career Development, 45(1), 83-97.

Deci EL, & Ryan RM. (1985). The general causality orientations scale: Self-determination in

[Downloaded from shenakht.muk.ac.ir on 2026-11-08]
[DOR: 20.1001.1.25886657.1398.6.5.9.7]
[DOI: 10.29252/shenakht.6.5.141]

personality. Journal of research in personality, 19(2), 109-134.

Dickerson S. (2018). Psychological Well-being and Health Gains in the Developing World: Evidence from Peru and Malawi (Doctoral dissertation). University of Maryland.

Faraji E, Moghtader L, & Asadi Majareh S. (2019). The relationship between social support and the personality traits of Extroversion and Neuroticism and psychological well-being in women with chronic pain. Journal of Anesthesiology and Pain, 9(4), 29-40 (in Persian).

Gagné M. (2003).The role of autonomy support and autonomy orientation in prosocial behavior engagement. Motivation and emotion, 27(3), 199-223.

Grolnick W, Deci EL, & Ryan R. (1997) Internalization within the family: The self–determination theory. In Gruse JE. & Kaczynski L. Parenting and children s internalization of values: A handbook of contemporary theory (PP. 135 - 161). New York: Willey Press.

Grolnick WS. (2009). The role of parents in facilitating autonomous self-regulation for education. School Field, 7(2), 164-173.

Hamidi F, & Ansari S. (2017). The Relationship between Parenting Styles, Students' Psychological Wellbeing and Hardiness. Journal of Family and Research, 13(32), 47-66 (in Persian).

Hardoon DR, Szedmak S, & Shawe-Taylor J. (2004). Canonical correlation analysis: An overview with application to learning methods. Neural computation, 16(12), 2639-2664.

He YM, Liu T, & Chen YW. (2017).Influence of parental rearing patterns on academic burnout: The mediating role of psychological capital and self-control. In Industrial Engineering and Engineering Management (IEEM), 2017 IEEE International Conference on (pp. 2307-2311). IEEE.

Joshanloo M, Rostami R, & Nosratabadi M. (2006). Examining the factor structure of the Keyes' comprehensive scale of well-being. Journal of Iranian Psychologists, 9, 35-51(in Persian).

Joussemet M, Landry R, & Koestner R. (2008). A self-determination theory perspective on parenting. Canadian Psychology/Psychologie canadienne, 49(3), 194-200.

Keyes CL. (2005). Mental illness and/or mental health? Investigating axioms of the complete state model of health. Journal of consulting and clinical psychology, 73(3), 539-548.

Keyes CLM. (1998). Social well-being. Social psychology quarterly, 61, 121- 140.

Kim K, & Rohner RP. (2002). Parental Warmth, control, and involvement are schooling predicting academic achievement among Korean American adolescents. Journal of Cross – Cultural Psychology, 33(2), 127- 140.

Lu M, Walsh K, White S, & Shield P. (2017). The associations between perceived maternal psychological control and academic performance and academic self-concept in Chinese adolescents: The mediating role of basic psychological needs. Journal of Child and Family Studies, 26(5), 1285-1297.

Melching JA. (2006). Exploring Parent-Adolescent Conflict: An Examination Correlates and Longitudinal Predictors in Early Adolescence. Thesis Master of Science in Psychology, University of New Orleans.

Meyers LS, Gamst G, & Guarino AJ. (2016). Applied multivariate research: Design and interpretation. Sage publications.

Neter J, Kutner MH, Nachtsheim CJ, & Wasserman W. (1996). Applied linear statistical models (Vol. 4, p. 318). Chicago: Irwin.

Nie Y, Chua BL, Yeung AS, Ryan RM, & Chan WY. (2015). The importance of autonomy support and the mediating role of work motivation for well-being: Testing self-determination theory in a Chinese work organization. International Journal of Psychology, 50(4), 245-255.

Plantin L, Olykoya A, & Ny P. (2011). Positive health outcomes of fathers' involvement in pregnancy and childbirth paternal support: a scope study literature review. Fathering, 9(1), 87-102.

Robbins RJ. (1994). An assessment of perceptions of parental autonomy support and control: Child

[Downloaded from shenakht.muk.ac.ir on 2026-11-08]
[DOR: 20.1001.1.25886657.1398.6.5.9.7]
[DOI: 10.29252/shenakht.6.5.141]

[Downloaded from shenakht.muk.ac.ir on 2026-11-08]

[DOR: 20.1001.1.25886657.1398.6.5.9.7]

[DOI: 10.29252/shenakht.6.5.141]

and parent correlates. Unpublished Doctoral Dissertation, Department of Psychology, University of Rochester.USA.

Ryan RM, & Deci El. (2000). Self –determination theory and facilitation of intrinsic motivation, social development, and well- being. American psychologist, 55, 68- 78.

Ryan RM, & Deci EL. (2016). Facilitating and hindering motivation, learning, and well-being in schools: Research and observations from self-determination theory. Handbook on motivation at schools, 96-119.

Ryan RM, & Deci EL. (2017). Self-determination theory: Basic psychological needs in motivation, development, and wellness. Guilford Publications.

Ryan RM, Huta V, & Deci EL. (2008). Living well: A self-determination theory perspective on Eudaimonia. Journal of happiness studies, 9(1), 139-170.

Ryan RM. (2009). Self-determination theory and well-being. Social Psychology, 84, 822-848.

Ryff CD, & Singer B. (1998). The contours of positive human health. Psychological inquiry, 9(1), 1-28.

Ryff CD. (1989). Happiness is everything, or is it? Explorations on the meaning of psychological well-being. Journal of personality and social psychology, 57(6), 1069.

Saffarinia M, Tadris Tabrizi M, Mohtashami T, Hassanzadeh P. (2014). The Effect of prosocial personality and Narcissism on Social Well-being of the Residents in Tehran City. Knowledge & Research in Applied Psychology, 15(3), 35-44 (in Persian).

Schumacker RE, & Lomax RG. (2012). A beginner's guide to structural equation modeling. Routledge.

Sharbatiyan MH, & Erfanian Ghasab E. (2018). The Influence of Social Capital on Social Well-Being through the Mediating Role of Quality of Life and Satisfaction with Life (Case Study: 18-30 Year Old Youth in Ghaen). Social Development, 13(1), 195-227 (in Persian).

Shin H, Lee J, Kim B, & Lee SM. (2012).Students' perceptions of parental bonding styles and their academic burnout. Asia Pacific Education Review, 13(3), 509-517.

Soenens B, Vansteenkiste M, & Sierens E. (2009). How Are Parental Psychological Control and Autonomy-Support Related? A Cluster-Analytic Approach. Journal of Marriage and Family, 71,187–202.

Stevens JP. (2012). Applied multivariate statistics for the social sciences. Routledge.

Strümpfer DJW. (1990). Salutogenesis: A new paradigm. South African Journal of Psychology, 20(4), 265-276.

Tanhaye Reshvanloo F, & Hejazi E. (2010). The Relationships among the Perceived Parenting Styles, Academic Motivation and Academic Achievement in High School Students. Training and Learning Researches, 1 (39), 1-14 (in Persian).

Tanhaye Reshvanloo F, & Hejazi E. (2011). Maternal and paternal involvement, autonomy support and warmth: predictors of adolescence self-esteem. International Journal of Behavioral Sciences, 5(4), 343-350 (in Persian).

Tanhaye Reshvanloo F, & Hejazi E. (2012). The Role of Maternal and Paternal Involvement, Autonomy Support and Warmth on Adolescents` Self-Determined Motivation and Academic Achievement. Journal of Family Research, 8(1), 67-82 (in Persian).

Tanhaye Reshvanloo F, & Hejazi E. (2014). Perceived parenting styles, academic achievement and academic motivation: A causal model. International Journal of Education and Applied Sciences, 1(2), 94-100.

Tanhaye Reshvanloo F, & Talepasand S. (2018). Factor Structure and Psychometric Properties of Perceptions of Parents Scale (POPS) in High school students. Journal of Rooyesh-e-Ravanshenasi, 7 (9), 265-290 (in Persian).

Thurber A, Bohmann CR, & Heflinger CA. (2018). Spatially integrated and socially segregated: The effects of mixed-income neighbourhoods on social well-being. Urban Studies, 55(9), 1859-1874.

Torkamani M, Gharaee A, Sheykhani F, & Tanhaye Reshvanloo F. (2018). Structural relationships

between Maternal and Paternal Warmth with Hope in Girl Students. Journal of Sociology of Education, 9, 1-11 (in Persian).

Van der Kaap-Deeder J, Vansteenkiste M, Soenens B, & Mabbe E. (2017). Children's daily well-being: The role of mothers', teachers', and siblings' autonomy support and psychological control. Developmental psychology, 53(2), 237-251.

Villarosa JB, & Ganotice FA. (2018). Construct validation of Ryff's psychological well-being scale: Evidence from Filipino teachers in the Philippines. Philippine Journal of Psychology, 51(1), 1-20.

West SG, Finch JF, & Curran PJ. (1995). Structural equation models with non-normal variables: Problems and remedies, In RH. Hoyle (Ed.), Structural equation modeling: Concepts, issues and ... 56-75), Sage, Thousand Oaks, 1995.

Yousofi A, Bagheriyan A, & Shojaee M. (2015). The Logic and Use of Canonical Correlation Analysis in Social Researches. Journal of Social Sciences, 11(2), 207-233 (in Persian).

[Downloaded from shenakht.muk.ac.ir on 2026-11-08]

[DOR: 20.1001.1.25886657.1398.6.5.9.7]

[DOI: 10.29252/shenakht.6.5.141]